

«درد»‌های مشترک بادبیر «شعام»



وجد عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

سخنان اخیر علی لاریجانی، مشاور رهبر معظم انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی، ناظر بر یک واقعیت تلخ است که نباید نادیده گرفته شود؛ اینکه «مردم در رفغ نیازهای اولیه‌شان دچار مشکل هستند، این بیشتر از هر چیزی زجردهنده است»، محصول چنین شرایطی، تحدید پایداری اجتماعی است، البته در سخنان لاریجانی به این نکته هم اشاره شد که مشکلات برق، گاز، خوابیدن کارخانه‌ها و چالش‌های تأمین معیشت، اگر چه پیچیده‌اند، اما «قابل حل» هستند، کافی است همت و اهتمام جمعی شکل بگیرد. این سخنان از چند جهت اهمیت دارد. نخست آنکه برخلاف بسیاری از روایت‌های رسمی که گاه فقط بر جنبه‌های کلان سیاسی یا امنیتی تمرکز می‌کنند، این بار موضوع «زندگی روزمره‌مردم» و «نیازهای اولیه» مورد توجه قرار گرفته است. دوم آنکه لاریجانی، از جایگاهی که به‌طور طبیعی با امنیت ملی تعریف می‌شود، دغدغه اقتصاد معیشتی را بیان می‌کند. این همنشینی امنیت و معیشت معنای مهمی دارد، یعنی هیچ امنیت پایداری بدون تأمین حداقل‌های زندگی مردم شکل نخواهد گرفت.

واکاوی این «درد»‌های مشترک تصویر روشن‌تری از گرهِ‌های اصلی و مسیرهای حل آنها ترسیم می‌کند. اقتصاد ایران مان در سال‌های اخیر بیش از هر چیز از پدیده‌ای که آن را «تاترازی» نامیده‌اند، رنج می‌برد؛ تاترازی در انرژی، در بودجه، در بازار کار و حتی در نظام بانکی. طبیعی است مشکل برق و گاز، نتیجه‌ای جز تعطیلی کارخانه‌ها ندارد؛ جایی که فقط محل تولید کالای مورد نیاز نیستند بلکه موتور اشتغال و خالق ثروت ملی به شمار می‌روند و طبعاً وقتی کارخانه‌ای تعطیل می‌شود، زنجیره‌ای از آسیب‌ها، از جمله بیکاری کارگران، بی‌برآمد شدن خانواده، کاهش قدرت خرید و رکودبازار داخلی شکل می‌گیرد. کشورمان از یک‌سو جزو دارندگان بزرگ‌ترین ذخایر گاز دنیاست واز سوی دیگر با قطع گاز صنایع و حتی خانگی مواجه می‌شود. این تناقضی نشانه‌همان درد مشترک است چراکه وفور منابع در سایه ضعف مدیریت نمی‌تواند گرهِی بگشاید. راه‌حل این مسئله در سرمایه‌گذاری هوشمندانه، نوسازی تجهیزات فرسوده و تنوع‌بخشی به سبد انرژی نهفته است.

آنچه «حداقلی برای زندگی» نامیده می‌شود، در ادبیات اقتصادی به «معیشت پایه» هم سر موم است، یعنی خانواده‌ها باید بتوانند خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش ابتدایی خود را بدون اضطراب دائمی تأمین کنند. اگر این پایه سست شود، جامعه با نارضایتی اقتصادی وفرسایش اعتماد اجتماعی روبرو خواهد شد. در سال‌های اخیر، فشار تورم بر سبد مصرفی خانوار، این پایه را متزلزل کرده است، به طوری که کالاهایی که روزگاری جزو اقلام عادی بودند، به کالای لوکس تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، حتی افزایش دستمزدهانیز عقب‌تر از نرخ تورم حرکت می‌کند و عملاً کارایی خود را از دست داده است. این همان «درد مشترک»ی است که معمولاً کارگر و کارمند به یک اندازه لمس می‌کنند. برای پیدا کردن راه‌حل این عارضه، نخست باید بپذیریم که معیشت مردم صرفاً با تزریق پول یا یارانه نقدی پایدار نمی‌شود. این اقدامات در کوتاه‌مدت مسکن هستند، اما در بلندمدت موجب تورم بیشتر ووابستگی بالاتر خواهند شد. مسیر پایدار آن است که تولید قدرت بگیرد، اشتغال مولد افزایش یابد و هزینه‌های اضافی در ساختار دولت کاهش یابد.

وقتی گفته می‌شود «باید بگذاریم کارخانه‌های ما بخوابد»، در واقع بر نقطه‌ای دست می‌گذار که رهبر حکیم انقلاب پیش سال‌ها از آن به عنوان «تولید، قلمه اقتصاد» یاد کرده‌اند. رکود تولید ضمن آنکه عرضه کالا را کاهش می‌دهد، بلکه قدرت رقابت کشورمان در بازارهای جهانی را هم از بین می‌برد. امروز بسیاری از صنایع با دو مانع بزرگ «تأمین مواد اولیه» و «خرچ بالای تأمین مالی از نظام بانکی» با اعجاز متدها، بانک‌ها به جای آنکه پشتبوتانه تولید باشند، باغی بار سنگین بهره‌های بالا رابر دوش تولیدکنندگان می‌گذارند. نتیجه این می‌شود که سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد سرمایه‌اش را به بازارهای غیرمولد مانند زمین، ارز یا طلا منتقل کند. این هم «درد مشترک» است، زیرا اگرچه زبانی، کاهش دستمزدها واقعی کارگران را افزایش قیمت کالاها همه پیامد مستقیم همین رکود تولید هستند. راه‌حل این معضل این است که باید سیاست‌های بانکی و مالیاتی به نفع تولید، بازتنظیم شود و دولت با کاهش ریسک‌های اقتصادی، انگیزه سرمایه‌گذاری مولد را افزایش دهد.

یکی دیگر از ریشه‌های مشکلات اقتصادی کشورمان، پدیده خام‌فروشی است. بسیاری از کسب و کارها و صنایع هنوز به جای تمرکز بر ایجاد ارزش افزوده، به فروش مواد خام یا محصولات اولیه بسندس می‌کنند. این مدل کسب‌وکار سود کمتری برای تولیدکننده ایجاد و فرصت‌های اشتغال پایدار و توسعه صنعتی را نیز محدود می‌کند.

با اینکه در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای حرکت به سمت ایجاد ارزش افزوده صورت گرفته است، اما این اقدامات کافی نبوده‌اند و هنوز بخش قابل توجهی از اقتصادمان بر پایه خام‌فروشی و بهره‌برداری سریع از منابع طبیعی استوار است. مشکل دیگر، مالیات‌های متعدد و پیچیده است که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده را تحت فشار قرار می‌دهد. مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر عملکرد، مالیات‌های منطقه‌ای و انواع عوارض، گاه آنچنان سنگین می‌شوند که انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. تولیدکننده مجبور است این هزینه‌ها را به قیمت تمام‌شده محصول اضافه کند و در نهایت مصرف‌کننده فشار اقتصادی را روی خود احساس می‌کند. چنین وضعیتی چرخه‌تولید و مصرف را کند می‌کند و باعث کاهش توان رقابت‌پذیری محصولات داخلی در بازارهای داخلی و خارجی می‌شود. برای اصلاح این روند، توجه همزمان به دو محور ضروری است، نخست تشویق صنایع به ایجاد ارزش افزوده و تولید محصولات با کیفیت که هم اشتغال بیشتری ایجاد کند و هم توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را افزایش دهد. دوم، بازنگری در نظام مالیاتی و ساده‌سازی آن به گونه‌ای که نه تولیدکننده آسیب ببیند و نه مصرف‌کننده فشار اضافی را تحمل کند. با حرکت همزمان در این دو مسیر، اقتصاد می‌تواند از خام‌فروشی فاصله بگیرد و مسیر توسعه پایدار و رونق واقعی را طی کند.

بدیهی است اقتصاد صرفاً مجموعه‌ای از اعداد و معادلات نیست و در بطن خود «رابطه اعتماد» دارد. وقتی مردم به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتماد کنند، حاضرند در مسیرهای پیشنهادی حرکت کنند اما اگر اعتماد فرسوده شود، هر سیاستی، حتی اگر درست هم باشد، با بدبینی و مقاومت مواجه خواهد شد، بنابراین سخن لاریجانی از این جهت اهمیت دارد که مشکلات معیشتی مردم را در کنار دغدغه امنیت ملی می‌بیند، این شیوه بیان می‌تواند بخشی از اعتماد ازدست‌رفته را بازسازی کند، اما برای تداوم آن، باید در عمل هم شفافیت، پاسخگویی و عدالت در تصمیم‌گیری‌ها مشاهده شود. جان کلام آنکه دبیر شورای عالی امنیت ملی هم رفغ دغدغه‌های مردم و تأمین نیازهای اولیه آنها را ضروری می‌داند و طبعاً وقتی مردم بتوانند نیازهای روزمره خود را به راحتی تأمین کنند، احساس امنیت و پایداری بیشتری پیدا می‌کنند و جامعه تاب‌آورتر می‌شود. بنابراین دولت باید با همت و جدیت بیشتر در این مسیر گام بردارد، موانع تولید را رفغ کند و اقدامات عملی برای فعال نگه داشتن کارخانه‌ها و بهبود زندگی مردم انجام دهد.

به بهانه حذف ۳میلیون نفر یارانه‌بگیر در مرداد ماه و ضرورت یکپارچه‌سازی سیاست‌ها در حوزه یارانه

مبنای حذف یارانه‌بگیران شفاف‌سازی شود

شیوه اعطای یارانه‌های نقدی اگر چه نیاز به تحول دارد اما نکته ضروری در این شرایط لزوم شفاف‌سازی دوباره مبنای حذف یارانه‌بگیران و محل هزینه‌کرد منابع حاصل از آن است که در غیر این صورت اعتمادزایی می‌کند



کزارش یک سبیده زمانی

سیاست هزینه‌زای کم‌هدف

هدف اصلی پرداخت یارانه، ابزاری برای حمایت

از معیشت مردم در برابر شوک‌های تومری و ارزی بوده است، با این حال شیوه غیر هدفمند

و فراگیر آن باعث شده است با وجود اختصاص بخش قابل توجه بودجه به یارانه، نرخ فقر و به ویژه فقر مسکن افزایش یابد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۲ نرخ

دک‌ها این بوده که سرانه در آمد ماهانه‌شان

پس از کسر هزینه‌های اجاره مسکن، بیشتر

از ۱۰میلیون تومان برآورد شده است.

الزام قانون بودجه ۱۴۰۴

برای غربالگری یارانه‌بگیران

طبق قانون بودجه ۱۴۰۴ دولت موظف است تا پایان اسمال، حذف دهک‌های بالا (۱۸میلیون نفر) و پرداخت کالابرگ را در دسترس قرار دهد. بر این مبنا، موضوع حذف یارانه‌بگیران و اختصاص کالابرگ دو موضوع به هم پیوسته خواهد بود. از سال ۱۴۰۱ طرح کالابرگ الکترونیکی برای اقسشار کدرآمد پیش‌بینی شد و از اسفند سال گذشته تاکنون سه مرحله کالابرگ با اعتبار ۱۵همت به یارانه‌بگیران پرداخت شده است و طبق قانون بودجه سال جاری منابع مورد نیاز کالابرگ باید از محل حذف دهک‌های بالا تأمین شود. کارشناسان تأکید دارند اجرای قانون غربالگری یارانه‌بگیران اگر چه ضروری است اما دولت باید جزئیات آن را شفاف اعلام کند.

اجرا، دیگر چیزی به اسم هدفمندی یارانه‌ها

نداریم و به ناکارآمدترین وجه در حال اجرای

آن هستیم. روش فعلی بدترین وجه برای راضی

کردن مردم است که پولی را از جایی بر داریم

و بودجه یادآور شد: سالی که قرار بود یارانه‌ها

تصویب شود، از مردم در قالب فرم‌های کاغذی

نظرسنجی کرده بودیم تا دارایی‌های خود را

معرفی کنند، ما این نتایج را به مرکز آمار دادیم،

اما رئیس وقت مرکز آمار نتایج آن را قبل از

برنامه‌ریزی منتشر کرد، نتیجه این شد که

برنامه‌ریز به هم ریخته و مجبور شدیم به همه

یارانه‌بدهیم، هنوز هم جرئت نکردیم دهک‌های

مرفه را تفکیک کنیم.

این کارشناس اقتصادی یادآور شد: هدفمندی

یارانه‌ها را با این شیوه ادامه یابد، بار سنگینی

هر ساله بر عهده دولت می‌گارد، نهایتاً هم نه

دولت راضی است، نه مجلس و نه مردم. باید نظام

پرداخت یارانه‌ها به سمت نظام تأمین اجتماعی

حرکت کند و پس از شناسایی خانوارهای نیازمند،

به صورت تأمین اجتماعی از خانواده‌ها حمایت

کنیم، باید همه دستگاه‌های پرداخت‌کننده

یارانه مانند هدفمندی و کمیته امداد و بهزیستی

تجمع شوند. امروز در مسیری هستیم که کاری که

انجام می‌دهیم، اصلاً اقتصادی و هدفمند نیست،

یک‌سوم بودجه کشور را می‌بلعد، ولی حامل‌های

انرژی آزادسازی نشده‌اند.

ضرورت یکپارچه‌سازی سیاست‌ها

در حوزه یارانه

نکته مهم دیگر به یکپارچه‌سازی سیاست‌ها

در حوزه یارانه بازمی‌گردد؛ موضوعی که

اخیراً و بسا توجه به برخی اخبار غیررسمی،

زمینه‌ساز نگرانی‌هایی شده است. امید حاجتی،

رئیس پیشین سازمان هدفمندی یارانه‌ها به

تاگی با اشاره به برنامه رئیس‌جمهور برای

واگذاری اختیارات به استانداران گفت: باید

تعیین خانواده‌های مشمول یارانه نقدی هم به

استانداران داده شود.

وی تأکید کرد: همین یک قلم اقدام در بهبود

شرایط چنین اثر گذار است و رضایتمندی

بالایی ایجاد می‌کند، وقتی کشف رفاه جامعه

رشد کند، مردم فرهنگ‌پذیر می‌شوند و جرائم

خرد کاهش می‌یابد. اگر می‌خواهیم در حوزه

برنامه‌های یارانه‌ای دولت تصمیم‌گیری کنیم،

نخست اینکه نباید موردی تصمیم‌گیری کنیم،

دوم اینکه به تراز بودن دخل و خرج خانوار دقت

کنیم، سوم اینکه یکپارچه سیاست‌ها دیده شود

و چهارم اینکه به اقسشار مرفه یارانه داده نشود،

البته حاجتی در نکته‌های متناقض با واگذاری

اختیارات یارانه‌ای به استانداران این را نیز گفت

که «باید سیاستگذار و مجری در حوزه یارانه‌ها

یکی باشد یا همه صفر تا ۱۰۰ یارانه‌دست وزارت

رفاه باشد یا سازمان برنامه، نه اینکه بخشی از آن

را وزارت رفاه تعیین کند و بخش دیگر را سازمان

برنامه بودجه».

کارشناس تأکید دارند که هر چند اجرای سیاست

تمرکززادی و افزایش نقش استان‌ها در مدیریت

توسعه می‌تواند موجب کاهش بوروکراسی، تقویت

بهره‌وری منابع و افزایش پاسخگویی مدیران

محلی شود اما موضوع یارانه‌ها مسئله‌ای است

که نیازمند یکپارچه‌سازی سیاست‌هاست و این

یکپارچه‌سازی را تعدد تصمیم‌گیران با چالش

روبه‌رو می‌شود و بین آن می‌رود موضوع به صورت

سیلفی‌ای پیش رود، کمالاتکه برخی کارشناسان

نیز معتقدند واگذاری اختیارات مدیریت مصرف

برق به استانداران موفقیت‌آمیز نبوده است.

«غربانگلری صحیح یارانه‌بگیران»

نیازمند سیاست شفاف

ضروری است دولت اصلاحات در پرداخت

یارانه‌های نقدی را در قالب بسته سیاستی شفاف

اجرای کند؛ بسته‌ای که در آن مبنای حذف یارانه،

برنامه دولت برای مدیریت منابع صرفه‌جویی‌شده

و مدیریت یارانه‌ها مشخص و شفاف باشد. پیش از

این اعلام شد که یارانه پر درآمد‌ها حذف می‌شود

اما در حال حاضر یارانه افرادی که در دهک‌های

پایین‌تری نیز بوده‌اند، قطع شده است، به همین

دلیل دولت باید هنگام اجرای چنین سیاستی به

صورت شفاف عمل کند.

گزارش‌ها



دریافت ماهانه ۳۵میلیون دلار سهم یارانه‌ها از شرکت نفت

رئیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها: پایگاه‌های اطلاعاتی خانوارها تقص دارد، به صورت دقیق نمی‌توانیم بفهمیم یارانه به کدام خانواده تعلق بگیرد یا نگیرد

در حالی که طبق برآوردها یارانه پنهان بنزین ۲هزارهمت است، پارسال ۲۱۲همت صرف خرید تضمینی گندم شد. طبق اعلام رئیس سازمان هدفمندی در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۱در صد از منابع بودجه عمومی دولت صرف یارانه آشکارا می‌شود. به گزارش تسنیم، در نشست «بررسی هدفمندی یارانه‌ها» حسن نوروزی، رئیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با بیان اینکه یارانه‌های پنهان و فرابوجه‌ای داریم، افزود: اسمال ۲۱در صد منابع بودجه‌عمومی دولت را یارانه می‌دهیم که هزارو ۴۷همت است و از این رقم ۸۸همت سهم دارو است. نوروزی یارانه نقدی و مستمری پرداخته ماهانه به خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی را ۴۶همت برآورد کرد و ادامه داد: در تمام دنیا گفته می‌شود که یارانه نقدی برای تحقق عدالت و رشد اقتصادی و رفاه بیشتر است و باید بررسی شود که نظام فعلی یارانه‌ها در کشور ما چه میزان توانسته است به عدالت اجتماعی و ارتقای دهک‌های ضعیف کمک کند. نوروزی در ادامه گفت: ماهانه ۳۵میلیون دلار از وزارت نفت می‌گیریم تا یارانه بدهیم، آن هم در حالی که روزانه ۲۰میلیون لیتر بنزین وارد می‌کنیم و صادراتی نداریم، سایر حامل‌ها هم همین وضع را دارند، به‌سختی از وزارت نفت پولی گرفته می‌شود و سپس به صورت مساوی به همه یارانه می‌دهیم.

رئیس سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با بیان اینکه همه می‌دانند سیاست فعلی درست نیست و باید اصلاح شود، گفت: اصلاح این امر نیازمند داشتن بانک اطلاعاتی قوی است، آقای روحانی در سال ۱۳۹۳ از مردم خواست در صورت نیاز، ثبت‌نام کنند در نهایت این شد که روش خرداظهاری شکست خورد و همه مردم ثبت‌نام کردند. روش دیگر ثبت دارایی‌های خانوار از سوی خود خانواده‌هاست اما با گذشت ۱۶سال هنوز نتوانسته‌ام داده‌های اطلاعاتی املاک را که بر اساس آن دهک‌سنجی می‌کنیم، به رقم دقیقی برسانیم.

وی ادامه داد: پایگاه‌های اطلاعاتی خانوارها نقص دارد و فقط هم در اختیار قوه مجریه نیست و باید به سمت ثبتی - مبنایی شدن برویم، زیرا روش آمارگیری و پرشش از خانواده‌ها هم جواب نمی‌دهد و به صورت دقیق نمی‌توانیم بفهمیم یارانه به کدام خانواده تعلق بگیرد یا نگیرد. حسن نوروزی با بیان اینکه ۹۲در صد مردم در حال دریافت یارانه هستند، گفت: باید از سیستم حمایت فراگیر به سمت سیستم تأمین اجتماعی و خدمات‌دهی فراگیر برویم.

سیستم حمایتی یاریمان دار باشد و یارانه مشروط به چیزی باشد، مثلاً فرزندان خود را در مدرسه ثبت‌نام کنند یا اعتبار کاهش یابد و اگر از فرد واکنش مثبت دید، یارانه پرداخت شود در غیر این صورت نباید ادامه‌دار شود، الان مجلس مصوب کرده است که در قانون بودجه اسمال سه دهک حذف شوند که ۸میلیون نفر می‌شود، دولت هم در حال اجرای آن است.



دام‌زنده‌ارزان، اما گوشت گران شد

در شرایطی که مسئولان بارها وعده تنظیم بازار و کاهش قیمت کالاهای اساسی را داده‌اند، اما در واقعیت قیمت‌ها با شتاب زیادی بالا می‌رود و این بار هم نوبت به بازار گوشت رسیده است، به طوری که از سه هفته گذشته تاکنون قیمت گوشت قرمز افزایش یافته است. با وجود وعده‌های وزیر جهاد کشاورزی مبنی بر خود کفایی در تولید و کنترل بازار گوشت، افزایش قیمت‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های اتخاذ شده از نسوی این وزارتخانه نتوانسته است بر افزایش قیمت گوشت غلبه کند. قیمت گوشت قرمز در بازار رکورد تازه‌ای ثبت کرده است. بررسی و رصد هفتگی از بازار و همچنین ارزیابی کارشناسان نشان می‌دهد بهای گوشت گوساله در کمتر از سه هفته گذشته بیش از ۱۷در صد افزایش داشته است، این درحالی است که عرضه دام برای کشتار در هفته‌های اخیر افزایش داشته است و چنین رشد قیمتی منطقی به نظر نمی‌رسد.
اواخر اردیبهشت ماه سال جاری بود که اعلام شد گوشت گرم از فهرست کالاهای اساسی خارج شد که این مسئله مقدمه‌ای برای گرانی گوشت شد.

رصد قیمتی از بازار نشان می‌دهد قیمت‌راسته گوسفندی یک کیلویی به یک‌میلیون و ۱۰۰هزار تومان رسیده و گوشت راسته گوساله یک کیلویی یک‌میلیون و ۲۰۰هزار شده است، همچنین گوشت چرخ کرده مخلوط گوسفندی و گوساله هم کیلویی ۱۵۱هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. شنیده‌ها حاکی است به تازگی بسیاری از دام‌های زنده به صورت غیرقانونی از مرزهای کشور به کشورهای همسایه، به ویژه عراق، امارات و افغانستان قاچاق می‌شود و با قیمتی بالاتر از قیمت داخل به فروش می‌رسند که این خروج گسترده دام زنده از کشور، به طور طبیعی باعث کاهش عرضه دام در بازار داخلی می‌شود.

این سوداگری باعث می‌شود برخی دامداران به جای فروش دام خود به صورت قانونی در داخل، ترجیح دهند آنها را به قاچاقچیان بفروشند که این چرخه معیوب، تولید داخلی را تضعیف می‌کند و وابستگی به واردات را افزایش می‌دهد.

با وجود اینکه قیمت دام زنده کاهش یافته، اما قیمت گوشت در بازار روند کاهشی ندارد و این موضوع نشان می‌دهد سوداگران و دلالان قیمت‌ها را در خلأ نظارت‌های کافی مدیریت می‌کنند، البته سیاست‌های متغیر و گاه متناقض وزارت جهاد کشاورزی در زمینه ممنوعیت یا آزادسازی صادرات و واردات گوشت و دام زنده، فضای تولید را برای دامداران بسیار ناایمن کرده است، به طوری که این بی‌ثباتی باعث شده است تولیدکنندگان نتوانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند و دچار زیان‌های مالی زیادی شوند.